

تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی ایران در یمن بر اساس نظریه پخش

بهزاد قاسمی^۱

چکیده

هدف: مقاله حاضر تلاش می‌کند، بخشی از بازتاب‌های انقلاب اسلامی در کشور یمن را بر اساس نظریه پخش «انتشار» تحلیل کند. از این رو، انقلاب اسلامی با وجهه دینی - معنوی بستر و مبدا پخش؛ و کشور اسلامی یمن مقصد پخش و اشاعه هستند. نگارنده در صدد است به این سوال اساسی پاسخ دهد که، انقلاب چه تاثیری در بیداری اسلامی یمن داشته و چگونه بازتاب یافته است؟

روش پژوهش: برای بررسی موضوع، از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده و برای تبیین نیز نظریه پخش انتخاب شده است. داده‌ها و اطلاعات به روش کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

یافته: بررسی شواهد نشان می‌دهد، انقلاب اسلامی در یمن از جنبه سیاسی و معنوی اثر بخش بوده است. تحلیل و بررسی صورت گرفته بر اساس نظریه پخش و انتشار نشان می‌دهد که افزایش ظرفیت مقاومت مردمی و انصارالله، رویکرد اسلام‌گرایی سیاسی ریشه در بازتاب انقلاب اسلامی دارد.

نتیجه: الگوگیری گروه‌هایی مثل انصارالله و نهضت‌های اسلامی از انقلاب اسلامی، مقاومت و ایستادگی در مقابل منافع قدرت‌های بزرگ، به خصوص عربستان از مهم‌ترین شواهد عینی پخش و تاثیرپذیری از انقلاب است.

واژگان کلیدی

انقلاب اسلامی، ایران، یمن، بیداری اسلامی، نظریه پخش، بازتاب.

۱. مقدمه

عناصر اولیه ایدئولوژی مبتنی بر انقلاب اسلامی، پس از پیروزی انقلاب در کلیه سرزمین‌های اسلامی یافت شده؛ برای نمونه در این مقاله یمن قبل از بیداری اسلامی با حضور علی عبدالله صالح شرایط مشابه ایران پیش از انقلاب را داشته است. به این ترتیب ایدئولوژی اسلامی انقلاب ایران پیشاپیش دارای مخاطبین فراوانی در سرزمین اسلامی داشته که نه تنها زبان این ایدئولوژی را درک کرده بلکه در آرزوی آن هستند. با انقلاب اسلامی، «اسلام» کشور توانست از جنبه نظری «تئوریک» و بعد عملی عینیت یابد و تجلی و بازتاب بیرونی و خارجی پیدا کند (خرمشاد، ۱۳۸۷: ۴۷). با الهام بخشی انقلاب اسلامی در قیام مردم تونس و بعد از آن قیام مردم مصر به ویژه پس از سقوط حسنی مبارک به مثابه یک الگو برای یمنی‌ها ظهور و بروز یافت. مردم یمن تحت تأثیر بیداری اسلامی به ویژه انقلاب مردم مصر و سقوط حسنی مبارک با بی‌توجهی به شکاف‌های اجتماعی و اختلافات قبیله‌ای در سطح بسیار وسیع به خیابان‌ها آمدند و در مقابل رژیم صالح صف آرای کردند و شعار سرنگونی نظام سر دادند، بدین ترتیب انقلاب مردم یمن بعد از رسیدن نسیم بیداری اسلامی در سطح ملی فراگیر شد. در واقع انقلاب مردم یمن زمانی آغاز شد که دیکتاتورهای تونس و مصر یعنی بن علی و مبارک از حکومت ساقط شدند.

اولین حرکت مؤثر و جدی یمنی‌ها در ژانویه ۲۰۱۱ متعاقب فعالیت جوانان جنوب از طریق شبکه‌های اجتماعی برای دعوت به برگزاری تظاهرات فراگیر در عدن در روز جمعه یازدهم فوریه که به «جمعه خشم» نامگذاری شده بود، رقم خورد. در پی تلاش نیروهای امنیتی برای ناکام گذاشتن این حرکت، نیروهای پلیس شبانه به خانه‌های این جوانان یورش بردند و چند تن از آن‌ها را دستگیر کردند. مردم در اعتراض به این اقدام، صبح روز بعد یعنی در تاریخ ۲۰/۱۱/۸۹ به خیابان‌ها آمدند و خیابان‌های عمومی را با سنگ و لاستیک‌هایی که آتش زده بودند بستند و یک خودروی پلیس را آتش زدند (Yemen today, February 9-2011). در همین حال بود که معترضین با طرفداران علی عبدالله صالح روبه رو شدند. طرفداران علی عبدالله صالح با خود خنجرهای سنتی و چوب و چماق حمل می‌کردند و مانع از ادامه حرکت معترضان شدند. همین مسئله باعث ایجاد درگیری بین طرفین گردید (الیمن ثورة شعب، مرکز الجزیره، ۲۰۱۱).

بدین ترتیب اولین حرکت مؤثر در آغاز انقلاب جوانان یمن در روز جمعه خشم (۱۱ فوریه) در استان‌های کشور اتفاق افتاد و روز ۱۱ فوریه به عنوان مبدأ انقلاب جوانان یمن در تاریخ این کشور به ثبت رسید. نکته جالب و عجیب در آغاز انقلاب یمن این است که روز یازدهم فوریه با سقوط حسنی مبارک و ۲۲ بهمن یعنی سی و دومین سالروز پیروزی انقلاب اسلامی در ایران همراه بود. از این تاریخ به بعد اعتراضات و تظاهرات مردم و جوانان یمنی شدت بیشتری گرفت و کم‌کم به بیش از ۱۵ استان کشور سرایت کرد. در روزهای بعد مردم به ویژه جوانان انقلابی اقدام به برگزاری تجمعات در میادین اصلی برخی از استان‌ها مثل میدان التغيير صنعا و میدان الحریره در تعز نمودند و خواستار سقوط نظام شدند.

انقلاب اسلامی به دلیل جذابیت، شعارها، روش‌ها، محتوا، نتایج و سابقه مشترک دینی و تاریخی، شرایط محیطی و منطقه‌ای و بین المللی پدیده‌ای تاثیرگذار در جهان اسلام بوده است. با عنایت به آنچه درباره گفته شد؛ بازتاب انقلاب اسلامی در یمن بر اساس نظریه پخش بحث و بررسی خواهد شد. هدف اصلی این پژوهش جستجو و تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی در یمن است؛ تاثیر انقلاب اسلامی در کشورهای منطقه و جهان اسلام به خصوص در کشور یمن از جنبه سیاسی و معنوی بوده است؛ در حالی که مجموعه‌ای از تاثیرپذیری‌های غیر ارادی یا به تعبیر فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه می‌باشیم. این تاثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند نیز تحت تاثیر آن قرار گرفتند (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶).

به طور کلی می‌توان تحلیل کرد که آنچه تاثیرگذاری و بازتاب انقلاب اسلامی بر تحولات جهان اسلام را بیشتر کرده، تمایزات انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ از جمله روسیه، فرانسه است. انقلاب اسلامی بر خلاف انقلاب‌های دیگر، فراگیرتر (با حضور مردم و طبقات مختلف) و بر مبنای معنویات و ارزش‌های انسانی است؛ ارزش‌هایی که در انقلاب‌های مادی‌گرا همچون کمونیستی روسیه و لیبرالیستی فرانسه وجود ندارد همین جذابیت‌ها و تفاوت‌ها توانسته است بیداری اسلامی و مقاومت مردمی یمن را تا حدود زیادی متاثر سازد.

۲. چارچوب نظری

چرایی بازتاب‌دار بودن انقلاب‌های بزرگ در تغییرات بنیادین و تحولات اسلامی، عمیق و گسترده آن‌ها در جوامع خود نهفته است؛ کار بزرگ و تحولی عمیق است که این انقلاب‌ها را الگویی برای سایر نهضت‌ها ساخته و آنان را متاثر می‌کند. تحلیل بازتاب انقلاب اسلامی بر سایر کشورها از منظرهای

مختلف قابل بررسی و ارزیابی هست؛ در این مقاله موضوع بررسی و تحلیل بازتاب‌های انقلاب بر یمن با کاربست و استفاده از نظریه «پخش» و «انتشار» است. مقاله حاضر با در نظر گرفتن شرایط مختلف بازتاب انقلاب اسلامی بر کشورهای اسلامی منطقه و جهان نظریه و رویکرد مذکور را انتخاب کرده است.

نظریه «پخش» و «انتشار» از جمله نظریه‌های رایج درباره چگونگی انتشار و نوآوری و گسترش ایده‌ها و اندیشه‌ها است که در سال ۱۹۵۳ توسط هاگر استراند جغرافیدان سوئدی ابداع و ارائه شده است. این نظریه در ابتدا برای تبیین و قابل بهره‌برداری در زمینه کشاورزی و شیوع بیماری‌ها نظیر سل و وبا و آفت بوده است؛ ولی با کاربرد و کارکرد آن در در عرصه‌های فرهنگی و در زمینه علوم سیاسی، جغرافی، روابط بین الملل و مطالعات انقلاب نیز کاربرد داشته است (برزگر، ۱۳۹۱: ۳۱).

اشاعه یا پخش عبارت است از فرایندی که طی آن، فرهنگی که علامت و مشخصه یک جامعه است در جامعه دیگر مورد پذیرش و استفاده قرار گیرد (پانوف، ۱۳۶۸: ۱۱۳). به لحاظ نظری، فهم نحوه اشاعه و پخش پدیده‌ها در سایر نقاط، همواره یکی از دغدغه‌های اصلی انقلاب‌ها و رهبران آن بوده است که نسبت به آینده آن پدیده حساس بوده‌اند. لذا برای دستیابی به درکی روشن در این زمینه استفاده از، «نظریه انتشار» است. یکی از رایج‌ترین مفاهیم مرتبط با این نظریه، «انتشار فضایی» است که برای تحلیل گسترش افکار و پدیده‌ها بکار می‌رود. انتشار فضایی؛ «عبارت است از گسترش یک پدیده از کانون یا کانون‌های اصلی خود در بین مردمی که آماده پذیرش آن هستند.» (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۱) طی این فرایند، نگرش و رفتار مردم تغییر می‌یابد. طبق این نظریه، سه نوع «انتشار» را می‌توان از یکدیگر متمایز کرد که عبارتند از: «انتشار جابجایی»^۱ در این نوع انتشار، افراد یا گروه‌های دارای یک ایده خاص، از مکانی به مکان دیگر حرکت می‌کنند و از این طریق، نوآوری‌ها یا افکار جدید نیز در سرزمین‌های دیگر گسترش می‌یابند. در اعصار گذشته، مذاهب اغلب با این نوع انتشار اشاعه یافته‌اند، که به صورت فیزیکی (خرمشاد، ۱۳۹۰: ۵۰) یا بصورت چهره به چهره اتفاق می‌افتد. «انتشار سلسله مراتبی»^۲ در این نوع انتشار، پدیده‌ها از طریق توالی منظم دسته‌ها و طبقات منتقل می‌شوند. یعنی افکار و ایده‌ها از یک فرد یا مقام «مهم» به افراد دیگر یا از یک شهر مهم به نقاط دیگر گسترش می‌یابند. یکی از عینی‌ترین موارد این نوع انتشار، تغییر افکار و عقاید اعضای یک قوم یا قبیله در پی تغییر فکر رهبر یا ریش سفید آن‌هاست. این نوع انتشار، بالاترین سرعت را دارد. زیرا با پذیرش افکار یا پدیده توسط یک فرد مهم، کل پیروان و حامیان او

1 . Relocation diffusion

2 . Hierarchic diffusion

نیز می‌پذیرند. «انتشار سرایتی یا واگیردار»^۱ در این انتشار، گسترش عمومی ایده‌ها و پدیده‌ها، مانند اشاعه بیماری‌های مسری با تماس مستقیم منتشر و از شخصی به شخص دیگر منتقل می‌شود. این فرایند تحت تأثیر فاصله قرار دارد. لذا افراد و نواحی نزدیک نسبت به افراد و نواحی دوردست، بیشتر در معرض این نوع انتشار هستند (جردن ۱۳۸۰: ۱۶۲). درک کارکرد نظریه انتشار در تبیین و تحلیل اشاعه پدیده‌ها، مستلزم توجه به شش عنصر اساسی آن است که عبارتند از: (شکویی، ۱۳۷۵: ۳۰۶-۳۰۵).

- «محیط جغرافیایی»؛ محیطی که یک پدیده در آن انتشار می‌یابد، ممکن است نسبت به آن پدیده، پذیرا - همگرا یا ناپذیرا - واگرا باشد یا موانع و محدودیت‌هایی در برابر آن ایجاد نماید، انقلاب اسلامی در اغلب کشورهای منطقه از سوی حاکمان ناپذیرا و از سوی مردم و بتر جامعه همگر هستند.

«زمان»؛ پدیده‌ها بعد از آغاز و تکوین، ممکن است به صورت مداوم یا دوره‌های متوالی و سرعت‌های متفاوت به سایر نقاط منتشر شوند؛ به دلیل پویایی و ماهیت نهضتی انقلاب اسلامی به صورت مداوم انجام شده است.

«محتوا و موضوع»؛ موضوع انتشار می‌تواند بسیار متنوع و شامل پدیده‌های فکری، امنیتی باشد، در انقلاب اسلامی موضوع سیاسی - معنوی است که با گفتمان امت‌گرایی دنبال شده است. «مبدأ»؛ مکان‌هایی است که همان خاستگاه و محل صدور پدیده‌ها، افکار و ... است؛ انقلاب اسلامی ایران و بازتاب این گفتمان است.

«مقصد»؛ مکان‌هایی است که پدیده در آنجا منتشر و محیط‌های جغرافیایی مختلفی را شامل می‌شود؛ محیط‌های انقلابی منطقه، نهضتی و جنبش‌های جهان است.

«مسیر حرکت»؛ این مسیر شامل مجاری انتقال پدیده‌ها از مبدأ به مقصد است. انقلاب اسلامی بازتاب غیرارادی و رفلکسی در میان مسلمانان داشته که در پرتو اسلام سیاسی، افراد، گروه‌ها، رهبران و سایر مجاری بوده که در مقاله حاضر با کاربست و بهره‌گیری از نظریه «پخش» و «انتشار» بازتاب انقلاب اسلامی در بیداری اسلامی و مقاومت مردمی یمن تحلیل شده است؛ هرچند موانع پخش به عنوان عوامل «پسران» و امواج رقیب نیز در این مسیر وجود داشته است.

۳. بحث و بررسی بازتاب انقلاب اسلامی بر یمن

بیداری اسلامی عبارت از توجه عمیق و دقیق امت اسلامی به مفاهیمی مانند: استقلال، عدالت، آزادی، امت واحده و امثال این‌ها است. مردم یمن از رهبری منسجم، وحدت ملی، تجربه سیاسی و استقامت مردمی در خیزش‌های پیشین محروم بود و یا کمرنگ‌تر بود و لذا ناکام ماند اما انقلاب کنونی یمن این شاخصه‌های مهم را به همراه دارد. بیداری اسلامی در یمن به همراه این شاخصه‌ها، دیگر متعلق به یک منطقه جغرافیایی و یک شاخه مذهبی خاص نیست بلکه با درایت و تدبیر بسیار بالایی تبدیل به یک انقلاب ملی شده است یعنی دیگر زبیدی‌ها و شافعی‌ها جدا از هم نیستند و با رهبری عبدالملک حوثی به دنبال تعالی خواهی و هویت اسلامی خود هستند.

در این قسمت با بحث و بررسی دو کشور ایران و یمن که تاثیر انقلاب اسلامی ایران و بازتاب آن مبدا و یمن مقصد پخش و اشاعه هستند. موضوع پخش، مسیر و دریچه پخش، نحوه انتقال، نمونه‌هایی از پیش‌ران و پس‌ران و مصادیق عینی تاثیرگذاری انقلاب اسلامی در یمن اشاره خواهد شد.

الف) انقلاب اسلامی ایران؛ مبدا پخش بیداری اسلامی

انقلاب اسلامی ایران، به عنوان آغازگر پخش و اشاعه بیداری اسلامی در منطقه و الگویی که با وجود هژمون‌های برون‌زا و مداخله‌گر توانست به تقویت موقعیت و توسعه اثر بخشی خود ادامه دهد و حوزه تاثیرگذاری منطقه ای خود را به حوزه جهانی اسلام ارتقا دهد. بیداری اسلامی به عنوان یک پدیده متأثر از نهضت فکری جمهوری اسلامی در عصر کنونی در قالب یک جنبش اجتماعی، سازمانی و نهادهای نظامی مدعی رخ نموده است. امام خمینی با تاسیس نظام سیاسی جمهوری اسلامی برآمده از انقلاب اسلامی برای نخستین بار توانست گفتمان بیداری اسلامی را تبدیل به «عمل سیاسی» کرده و نه تنها آن را وارد حوزه عمل همه توده‌های مسلمان، بلکه وارد خاطر جمعی همه مستضعفان جهان کند.

انقلاب اسلامی، به عنوان پدیده‌ای که بر بنیاد ارزش‌های دین با تکیه به روش‌ها و شیوه‌های نوین دموکراسی، شکل گرفت والگوی جدید از مقاومت و مبارزه با استبداد و استعمار را به نمایش گذاشت، الگوی جدیدی از مدیریت در عرصه قدرت، سیاست و حاکمیت را متجلی و شکل جدیدی از تاثیرگذاری و متفاوت از کارکرد تاریخی مزبور را بنا نهاد و نوعی از جریان احیاء، بیداری فکری و ایدئولوژیک را سامان داد و هدایت کرد. جمهوری اسلامی، برای اولین بار اصطلاح «امت اسلامی»

به عنوان یک مفهوم انقلابی را وارد ادبیات سیاسی جهان کرد.

پیروزی انقلاب اسلامی سبب شد که هم در ساختار و هم در کارکرد نظام بین الملل، تغییر و تحولاتی اساسی رخ دهد. در ساختار نظام بین الملل، با توجه به حاکم بودن نظام دوقطبی، ایجاد جبهه‌ای جدید بدون اتکا به غرب و شرق سبب فعال‌تر شدن جنبش عدم تعهد و ملت‌های مستقل شد تا جایی که توانستند در عرصه روابط بین الملل نقش‌آفرین شوند. امروز نیز با شروع خیزش‌های مردمی و اسلامی در کشورهای منطقه و شمال آفریقا، علیه حاکمان مرتجع و استکبار قیام کرده‌اند تا سرنوشت خود و کشورشان را به دست خویش رقم بزنند و بدون هیچ مداخله، نظام جدیدی ایجاد کنند (قاسمی، ۱۳۹۲: ۶۸). تاثیر انقلاب اسلامی ایران در چندین عامل وابسته به هم ریشه دارد که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از: ماهیت سلطه ستیزی آن بر محور عدالت و اولویت بخشی به مبارزه با استکبار و سلطه جهانی، در تحولات جهانی به ویژه جهان اسلام و خاورمیانه تاثیر زیادی داشت. محوریت اسلام در ارزش‌ها و الگوی دینی انقلاب اسلامی ایران توانست نظر جنبش‌ها و نهضت‌های رهایی بخش در منطقه و گروه‌های اسلام‌گرا را به خود جلب کند (فاضلی‌نیا، ۱۳۸۴: ۱۱۶-۱۲۵). جنبش‌های مردمی موسوم به بیداری اسلامی با سه مؤلفه اسلامیت، مردمی و ضد استعماری بودن تحلیل می‌شوند. به طور کلی، برخی تأثیرات کلان انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی را می‌توان چنین برشمرد: اول، احیا و اعتبار مجدد اسلام به مثابه مکتبی اجتماعی و سیاسی؛ دوم، الگو شدن اسلام سیاسی و تشیع به عنوان ارائه دهنده نظام حکومتی و مطرح شدن آن در سطح بین المللی؛ سوم، احیا و ظهور مجدد نهضت‌های اسلامی و انقلابی؛ چهارم، طرح اندیشه اتحاد جهان اسلام (امت‌گرایی) که نوعی بازبینی در رابطه جهان اسلام و غرب است (حشمت زاده، ۱۳۸۴: ۲۲۷). عامل دیگر که باعث استقبال گسترده کشورهای اسلامی از انقلاب اسلامی شد، حمایت از فلسطین در برابر رژیم صهیونیستی بود. پیش‌تر حمایت اعراب از فلسطین، به عنوان عربیت قومی و ناسیونالیسم عرب صورت می‌گرفت، اما حمایت انقلاب اسلامی از فلسطین جنبه اسلامی به این حمایت بخشید و به اسلامی شدن قضیه فلسطین انجامید که نقطه مشترک تمام مسلمانان از عرب گرفته تا عجم محسوب می‌شود. تاثیر انقلاب اسلامی ایران بر ساختار نظام بین الملل و تحولات منطقه‌ای از دو جهت مادی و غیرمادی قابل بررسی است.

به طور کلی می‌توان تحلیل کرد که آنچه تاثیرگذاری انقلاب اسلامی ایران بر تحولات جهان اسلام را بیشتر کرده، تمایزات انقلاب اسلامی با انقلاب‌های بزرگ از جمله روسیه، فرانسه و ... است. انقلاب اسلامی ایران بر خلاف انقلاب‌های دیگر، فراگیرتر (با حضور مردم و طبقات مختلف) و بر

مبنای معنویات و ارزش‌های انسانی است؛ ارزش‌هایی که در انقلاب‌های مادی‌گرا همچون کمونیستی روسیه و لیبرالیستی فرانسه وجود ندارد (حشمت زاده، ۱۳۷۷: ۲۳۷-۲۴۰).

بنابراین انقلاب اسلامی کانون پخش و تراوش در منطقه شد. یک بررسی مقایسه‌ای بین موزائیک فرهنگی منطقه، قبل و بعد از وقوع انقلاب اسلامی به خوبی نشان دهنده تغییرات بافت موزائیک منطقه‌ای خاورمیانه است و مجموعه‌ای از تاثیرپذیری‌های غیر ارادی یا به تعبیر فولر، رفلکسی از سوی مردم منطقه شد. این تاثیرات نمایشی چنان قوی بود که حتی کسانی که علاقه‌ای به انقلاب اسلامی نداشتند نیز تحت تاثیر آن قرار گرفتند (برزگر، ۱۳۸۲: ۵۶).

انقلاب اسلامی خود مبدا پخش بوده و از طریق ایجاد کانون‌های پخش ثانویه، به بازتولید و رشد گفتمان‌های بدیل نیز منجر شده است. برخی از کانون‌های ثانویه پخش جنبش مقاومت لبنان به ویژه حزب الله و جهاد اسلامی و حماس در فلسطین و ... در محیط‌های پخش هستند، پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بازتاب آن در کشورهای اسلامی از عرصه «نظر» به عرصه «عمل» در آمده و یمن نیز این بازتاب را از رویکرد صدور انقلاب اسلامی و ماهیت نهضتی آن در فرایند دیپلماسی نهضتی پذیرفته است.

ب) یمن؛ مقصد پخش بیداری اسلامی و مقاومت

بیداری اسلامی یمن علیه دیکتاتوری علی عبدالله صالح که در روز ۲۷ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شد و مقاومت مردمی علیه جنگ عربستان متأثر از انقلاب اسلامی است. در طول قرن بیستم، یمن به عنوان یک دولت ورشکسته، هیچ‌گاه روی آرامش به خود ندید و با ورود به فضای تحولات جدید نیز این روند ادامه پیدا کرد تا جایی که مردم خواهان تغییر نظام شدند. نظامی که در ۳۲ سال گذشته علیرغم داشتن نام جمهوری، در واقع سلطنتی بود و تنها یک نفر یعنی علی عبدالله صالح بر آن حکم رانی می‌کرد. با این حال، پیش از آن که موج انقلابی از تونس و مصر به یمن برسد، رژیم عبدالله صالح با چالش‌های زیادی دست و پنجه نرم می‌کرد، جنگ در منطقه شمالی با انصارالله، جنگ در منطقه جنوب با جدایی طلبان، مبارزه با نفوذ القاعده، بن بست دوساله درباره به اصلاح انتخابات و قانون اساسی و تشدید وخامت اوضاع اقتصادی از آن جمله هستند. در این میان رژیم عبدالله صالح از شیوه‌هایی همچون سرکوب، به خیابان آوردن حامیان خود، وعده‌های اقتصادی، مصالحه سیاسی و توسل به گروه‌های اجتماعی برای آرام کردن اوضاع استفاده کرد که هیچ یک از آن‌ها جواب نداد.

به هر حال تحولات و جریان اعتراضات مردم یمن نسبت به قیام‌های تونس و مصر، بسیار

طولانی‌تر شده و در این میان می‌توان به تفاوت در اهداف و عملکرد مخالفین، نقش عربستان و ترس آن از روی کار آمدن دولتی شیعی در کنار مرزهایش، تلاش‌های شورای همکاری خلیج فارس برای انتقال آرام قدرت و جلوگیری از سرایت این پدیده به کشورهای عضو و نگرانی آمریکا از روی کار آمدن اسلام‌گرایان و به خصوص احیای قدرت القاعده در این کشور اشاره کرد (کاردان، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

در دوران جمهوری یمن، شیعیان در این کشور سیاست منفعلانه‌ای را در پیش گرفته بودند. در آن زمان نهادهای سنتی مذهبی نیز شیوه محافظه‌کارانه‌ای داشتند. به تدریج شیعیان یمن، احساس کردند که دولت، دیدگاه تبعیض‌آمیزی با آن‌ها دارد و معتقد بودند که دولت، زیدی‌ها را به حاشیه رانده است. مذهب زیدی، یک شاخه از شیعه است. این شیعیان در سال ۱۹۹۲، جنبش انصار الله را به وجود آوردند. این گروه در سال ۲۰۰۴ که حسین الحوثی مؤسس آن به دست نیروهای یمنی کشته شد، نام خود را به جنبش حوثی تغییر داد. درگیری میان حوثی‌ها و دولت علی عبدالله صالح برخلاف دیگر درگیری‌ها در این کشور، یک درگیری طایفه‌ای و قبیله‌ای نبود، بلکه علل دیگری داشت که می‌توان به عدم رضایت محلی از سیاست‌های داخلی و خارجی اشاره کرد. آن‌ها همچنین معتقد بودند که دولت یمن متعمدانه با آن‌ها بدرفتاری می‌کند (Salmoni, 2010i). ریشه اصلی اختلاف‌های زیدی‌ها و به ویژه جنبش الحوثی با حکومت مرکزی به انقلاب ۱۹۶۲ میلادی بر می‌گردد که رژیم امامت منحل و رژیم جمهوری تشکیل شد (Genny, 2008: 5). امام بدر، جانشین امام احمد، و طرفداران وی بارها در پی احیای رژیم امامت برآمده‌اند، اما در این مسیر کامیاب نبودند. آن‌ها همواره با سیاست دولت جمهوری مخالف بودند. از سوی دیگر سیاست‌های غلط علی عبدالله صالح ناراضی‌های زیدی‌ها را دامن زده بود و باعث شد مخالفت زیدی‌ها با حکومت مرکزی افزایش یابد. شکل‌گیری گفتمان نهضت جنبش حوثی با غلبه صبغه اسلامی در آن: حوثی‌ها در سال ۲۰۱۱، جنبش جوانان یمن را تأیید کردند و اسم جدید انصار الله را برای خود انتخاب کردند. انتخاب نام انصارالله نشان دهنده تسلط گفتمان اسلامی در آن است. تاریخ شروع انقلاب در یمن را ۲۱ سپتامبر ۲۰۱۴ می‌دانند. در آن روز صنعا، پایتخت یمن به دست حوثی‌ها افتاد. در نوزدهم ژوئیه سال ۲۰۱۵، حوثی‌ها به منزل هادی، رئیس جمهوری یمن حمله کرده و قصر ریاست جمهوری را که نخست وزیر در آن اقامت داشت، محاصره کردند. آن‌ها همچنین به اردوگاه‌های ارتش و مجمع ریاست جمهوری و اردوگاه‌های موشکی حمله کردند. حوثی‌ها به مقر رسانه‌های گروهی حمله کردند تا از طریق آن بتوانند پیام‌های خود را به مردم برسانند. از آن زمان تحولات یمن وارد مرحله جدیدی شد. نهادینه شدن این جنبش

و تبدیل شدن آن به یک نظام سیاسی، هنوز رخ نداده است.

انصارالله شیعیان زیدی یمن هستند. این گروه در حال حاضر، جریان غالب یمن هستند و کنترل بیشتر امور را در دست گرفته‌اند. انصارالله از سال ۲۰۰۴، مخالفت خود با سیاست‌های حاکم را آغاز کرده‌اند. پیش از این درباره این گروه توضیح داده شد.

از ابتدای تشکیل جنبش جوانان مؤمن تا زمان فعلی، این جنبش هفت مرحله را پشت سر گذاشته است. در مرحله اول که از اوایل دهه نود آغاز شد، این گروه با طرح خواسته‌های حداقلی، تنها خواهان رفع تبعیض‌های مذهبی و ساختاری در این کشور بودند. این گروه در آن زمان کمتر سیاسی بود و جنبش محسوب نمی‌شد. این دوره را می‌توان مرحله تاسیس و شکل‌گیری نامید. این مرحله با زمان وحدت دو یمن مقارن است. جمهوری یمن در ۲۲ ماه می ۱۹۹۰ از اتحاد یمن شمالی و جنوبی به وجود آمد. مرحله دوم تا پیش از کشته شدن عبدالمالک الحوثی به دوران طرح مطالبات، ارائه آموزش‌های دینی و تربیت و کادرسازی محدود شد.

مرحله سوم با کشته شدن حسین بدرالدین حوثی در سال ۲۰۰۴ به دست نیروهای ارتش یمن شروع شد. او یکی از مریدان امام خمینی بود و در دهه شصت میلادی برای آشنایی با اندیشه‌های امام به قم سفر کرده بود. وی در یکی از معروف‌ترین سخنرانی‌های خود، تأثیرات اندیشه‌های جنبش خود از انقلاب امام خمینی علیه السلام را ارائه داد. او در این سخنرانی به مناسبت روز جهانی قدس، بر خطر نفوذ آمریکا در یمن و همچنین خطر رژیم صهیونیستی برای جهان اسلام اشاره کرده بود. بعد از شهادت حسین الحوثی، گروه جوانان مؤمن نام خود را به گروه الحوثی تغییر داد.

در مرحله چهارم، این گروه، دامنه فعالیت خود را از صعده به سمت دیگر استان‌ها گسترش داد. در این محله فعالیت‌های شبه مسلحانه دارای بعد ایدئولوژیک آغاز شد، اما هنوز این مبارزات، سازمان یافته نبود. مرحله پنجم، تلاش این گروه‌ها برای ساماندهی حملات و هدفمند شدن مبارزات مسلحانه بود. آن‌ها در مدت چهار سال توانستند پنج جنگ مسلحانه را با ارتش یمن سامان دهند. آغاز این دوره چهار ساله ۲۰۰۴؛ و پایان آن ۲۰۰۸ میلادی بود که البته این جنگ‌ها پیوستگی نداشت. دامنه عملیات جنگ پنجم، البته گسترده‌تر بود و به مناطق صعده محدود نشده و به مناطقی کشیده شد که به طور سنتی، گرایش زیدی هادوی داشتند. یکی از این مناطق، شهرستان بنی حشیش یکی از نزدیک‌ترین شهرها به صنعاء است. این جنگ به شدت ارتش یمن را به خود مشغول کرد (دغشی، ۱۳۹۴: ۱). در مرحله ششم جنبش حوثی توانست کنترل صنعا را به دست گیرد و منصور هادی به عربستان فرار کرد. در مرحله هفتم، عربستان در ۲۶ مارس ۲۰۱۵ با تشکیل ائتلافی به

یمن حمله کرد تا بتواند جنبش حوثی‌ها را از پای در آورد، اما این هدف تاکنون محقق نشده است. شورای انقلابی و کمیته‌های انقلابی، نام‌های دیگر این گروه هستند. این گروه توسط شیعیان زیدی گروه انصارالله تاسیس شد. بعد از به دست گرفتن کنترل پایتخت یمن و بخش‌های زیادی از یمن شمالی در شش فوریه ۲۰۱۵، گروه انصارالله بیانیه قانون اساسی را صادر نمود. در این بیانیه آمده بود که کمیته انقلابی مسئولیت انجام امور داخلی یمن را برعهده می‌گیرد. این کمیته موظف بود که پارلمان را تشکیل دهد. این پارلمان، ۵۵۱ کرسی دارد. شورا برای دو سال، امور دولتی را برعهده می‌گیرد (فرانس ۲۴، الحوثیون).

ج) محیط شناسی پخش و اشاعه

با انتشار و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در یمن، بازتاب انقلاب اسلامی در این کشور وارد محیط ناهمگرا «ناپذیرا» با خود می‌شود. جمهوری متحده یمن در سال ۱۹۹۰ میلادی با ادغام یمن شمالی و یمن جنوبی شکل گرفت، از آن تاریخ تا کنون دارای ویژگی‌ها و خصایصی بوده است که از خصلت ماندگاری و پایداری برخوردار بوده‌اند. این ویژگی‌ها همواره کارویژه‌هایی منفی داشته و از رشد و نمو و بالندگی این کشور جلوگیری کرده است (عمادی، ۱۳۹۴: ۱). که مهمترین آن ماهیت استعماری، وابستگی و ستبدادی محیط انتشار بوده است. از طرفی یمن کشوری متکثر و متنوع به لحاظ جریان‌ها و ایدئولوژی‌های سیاسی است. چهار نیروی سیاسی اسلامگرای مهم در این کشور وجود دارند: اخوان المسلمین که جنبش اصلاح یمن آن را نمایندگی می‌کند، انصارالله (حوثی‌ها)، جنبش‌های سلفی مختلف و جنبش انصارالشریعه که القاعده آن را نمایندگی می‌کند (ذوالفقاری، ۱۳۹۳: ۶). فعالیت‌های شدید وهابیت در این کشور و مشکلات اقتصادی همچون بیکاری ۴۰ درصد از مردم کشور، در کنار نارضایتی شدید مردم از اوضاع سیاسی، اجتماعی و به خصوص اقتصادی مهم‌ترین متغیرهای به وجود آورنده این فضای چالش‌زا برای نظام سیاسی یمن بوده است (فیروز کلائی، ۱۳۹۴: ۱۶۸).

در چنین فضایی، اوضاع یمن متأثر از نارضایتی مردم از سیاست‌های رییس جمهور این کشور به هم ریخته است و مردم به رهبری حوثی‌ها و در قالب کمیته‌های مردمی انصار الله علیه رییس جمهور قیام کردند و پس از به دست گرفتن کنترل پایتخت، به سمت مناطق جنوبی و شرقی حرکت کردند. تداوم پیشروی‌های انصار الله ترس عربستان را از نفوذ ایران در یمن به دنبال داشته است. به همین دلیل، عربستان با همکاری مصر و برخی از کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس

(امارات متحده عربی و قطر) طرحی را دنبال می‌کنند تا از این طریق مانع نفوذ ایران در جهان عرب شوند. طرح تشکیل ارتش مشترک عربی یکی از طرح‌هایی است که در این راستا مطرح شده و تشکیل ائتلاف بین‌المللی برای حمله به مواضع نیروهای وابسته به کمیته مردمی انصار الله مقدمه ای بر این اقدام است (جوکار، ۱۳۹۴: ۱). عربستان اکنون در حالی بار دیگر علیه حوثی‌های یمن وارد جنگ شد که در سال ۲۰۱۴ حوثی‌ها را به عنوان یک سازمان تروریستی معرفی کرد (Ahelbarra, 2015: 20).

در مجموع:

- فساد خاندان حاکم

- بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فقر مردم

- بحران‌های امنیتی و ناامنی فزاینده در کشور

- خشونت در برابر مخالفان و اعتراض کنندگان

- فساد دستگاه اداری و نهادهای دولتی.

وابستگی و نظام سیاسی فاقد دموکراسی و مردم‌سالاری و ... از ممتزین ویژگی محیطی این کشور بوده است.

در چنین فضایی با پخش و اشاعه گفتمان انقلاب اسلامی در محیط استبدادی و فساد هیچ همگرایی بین گفتمان مبدا پخش و مقصد وجود نداشته است. ولی به دلیل وجود گروه شیعی انصارالله در یمن محیط مناسبی برای پذیرش بازتاب انقلاب اسلامی ایران و مقاومت مردمی در برابر حملات عربستان یمن را به محور مقاومت نزدیک کرد.

د) شیوه و دریچه‌های پخش

منظور از شیوه و دریچه‌های پخش، مسیر شامل مجاری انتقال پدیده‌ها از مبدأ به مقصد است. بعد از پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ برخی از شیعیان زیدیه در یمن طرحی را مبنی بر ایجاد یک جنبش دینی - سیاسی ارائه کردند. این طرح در سال ۱۹۸۲ توسط علامه صلاح احمد فلیته در استان صعده مورد تحقیق و بررسی قرار گرفت. در همین راستا جنبش «اتحاد الشباب» در سال ۱۹۸۶ شکل گرفت. در سایه این جنبش بستری فراهم شد که علمایی همچون محمد بدرالدین الحوثی مباحث و دروسی را مبنی بر تئوری‌های انقلاب اسلامی ایران و اصول و اساس آن در حوزه های علمیه یمن ارائه می‌کردند، این از نخستین و مهمترین مجاری اشاعه بازتاب انقلاب اسلامی در یمن و به خصوص انصارالله بود که در سال ۱۹۸۸ فعالیت جنبش اتحاد الشباب با توجه به بازگشت

علمای بزرگ مذهب زیدیه همچون علامه مجدالدین المویدی و علامه بدرالدین الحوثی که متعاقب انقلاب ۱۹۶۲ به عربستان گریخته بودند، به شدت گسترش یافت (رسولی، ۱۳۹۴: ۹۰). بعد از این مسئله بود که در سال ۱۹۹۲ هسته مرکزی و اولیه جریان «منتدی الشباب المومن» (انجمن جوانان مومن) به دست محمد سالم عزان، عبدالکریم جدبان و محمد بدرالدین الحوثی و تعدادی دیگر شکل گرفت. سپس بین اعضای انجمن اختلافاتی صورت گرفت که مسبب آن حسین بدرالدین الحوثی و عبدالله الرزازی بودند که در نهایت منجر به دودستگی در این انجمن و جدایی گردید.

شیعیان زیدی که جمعیت عمده شیعیان یمن را تشکیل می‌دهند تا سال ۱۹۶۲ بر این سرزمین حکومت می‌کردند ولی با وقوع کودتا، حکومت آن‌ها سرنگون شد. از آن به بعد توسط حکومت جدید تحت فشارها و تنگناهای شدید قرار گرفتند. نداشتن حق تاسیس مدارس دینی، آزار و شکنجه و زندانی شدن شیعیان و علمای شیعی، جلوگیری از برگزاری مراسم مذهبی، توهین به ارزش‌ها و دسترسی نداشتن به رسانه‌ها از جمله این چالش‌ها به‌شمار می‌رود. از این دوره می‌توان به عنوان دوره انزوای ژئوپلیتیکی شیعه در یمن یاد کرد. پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران هر چند به واسطه نگرانی‌های رژیم حاکم فشارها افزایش یافت، ولی با توجه به تاثیرهای شگرفی که این انقلاب در بین مردم یمن به ویژه شیعیان بر جا گذاشته بود، به تدریج جایگاه ژئوپلیتیکی شیعه در این کشور ارتقا یافت. (تلاشان، ۱۳۹۱)

سید حسین الحوثی به شدت تحت تأثیر افکار انقلابی حضرت امام خمینی ره قرار داشت. لذا به دلیل جانبداری از انقلاب اسلامی ایران و امام خمینی ره و حزب الله لبنان و حمایت از مقاومت اسلامی فلسطین با رژیم علی عبدالله صالح دچار اختلاف شد؛ زیرا این تأثیر سیاسی - الهی امام در نگاه انصارالله از مهمترین مجاری پخش و بازتاب اندیشه امام و انقلاب اسلامی بوده است. هرچند بیداری اسلامی یمن همانند بسیاری از خیزش‌های مردمی منطقه در از دریچه‌های غیرارادی بازتاب انقلاب نیز متأثر بوده است. مقاومت مردمی یمن در مقابل عربستان که نماینده استکبار غرب و آمریکا در منطقه است از مصادیق عینی مجاری پخش و سرایتی هست.

۴. مصادیق و نمونه‌های عینی بازتاب انقلاب اسلامی ایران در یمن

انقلاب ۲۰۱۱ یمن را می‌توان پایانی بر دوره حاکمیت علی عبدالله صالح و نظام سیاسی اقتدارگرا و تک حزبی حاکم و آغازی برای مشارکت گسترده مردم در عرصه قدرت دانست. این انقلاب نه تنها

تغییرات در ساختار قدرت را هدف قرار داد، بلکه به تدریج به مطالبات گسترده‌تری منجر شد که از صرف تغییر نظام تک حزبی فراتر رفت که تاثیر پذیری این حرکت متأثر و الگویی از انقلاب اسلامی را با خود داشت. برای نمونه عوامل پیش و پس برنده بیداری اسلامی یمن و تحولات انقلابی کشور را می‌توان با رویکردهای مختلف مورد بررسی قرار داد.

الف) عوامل پیش برنده و موضوع پخش (همگرا و پذیرا)

بازتاب انقلاب اسلامی در برابر گفتمان سکولار زمینه را برای پیگیری سیاست‌هایی مستقل از منافع آمریکا در منطقه فراهم ساخت. در مجموع می‌توان چنین ارزیابی نمود که نظم پیشین در خاورمیانه دچار تغییراتی جدی به زیان منافع آمریکا شد (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۱: ۱۶۸). با برهم خوردن نظم پیشین عوامل پیش برنده جدید و همگرا با منطقه پخش و اشاعه پیدا کرد که برخی در اینجا بررسی شده است.

- مقاومت محوری: مشی مبارزاتی انصارالله مبتنی بر مقاومت محوری مسالمت‌آمیز است و خشونت محور نیست. گفتمان مقاومت ضمن تاکید بر ایستادگی در برابر استکبار و نظام سلطه همواره خود را به عنوان گفتمانی صلح‌طلب معرفی کرده است. در مورد قیام اخیر مردم یمن این عنصر بیشتر از سایر عناصر مشهود بود. از زمانی که مردم این کشور در اعتراض به ناکارآمدی دولت، تظاهرات خود در صناعا را شروع کردند همواره بر مسالمت‌آمیز بودن تظاهرات تاکید داشتند. حتی در زمانی که لشکر یکم به فرماندهی محسن الاحمر به مواضع انقلابیون در صناعا حمله کرد، جنبش انصارالله به مواضع ارتش حمله نکرد و تنها به دفاع از خود در برابر تهاجمات مشغول بود؛ اما اوج صلح‌طلبی انقلاب دوم یمن زمانی رقم خورد که با وجود استعفای نخست‌وزیر و محسن الاحمر به عنوان نفر دوم یمن و تسلیم شدن گارد ویژه ریاست جمهوری و ارتش این کشور در برابر انقلابیون، الحوثی‌ها نه تنها به قیام خود ادامه ندادند بلکه با امضای توافقنامه‌ی صلح با دولت این کشور به همگان نشان دادند که این جنبش نه تنها یک گروه با بلوغ سیاسی بالا است بلکه به هر قیمتی حاضر به دستیابی به اهدافش نیست و خشونت را به عنوان ابزاری برای رسیدن به اهداف نفی می‌کند.

- استقلال‌طلبی: گفتمان مقاومت همواره با رد هرگونه وابستگی به بیگانگان بر استقلال‌طلبی تاکید داشته است. در واقع عنصر استقلال‌طلبی به این گفتمان در بین جنبش‌ها و مکتب‌های سیاسی جایگاه ویژه‌ای بخشیده است. در مورد انقلاب یمن نیز مقامات جنبش انصارالله بارها در بیانیه‌ها و

سخنرانی‌های خود بر این عنصر و نقش آن در ادامه برنامه‌های توسعه‌ای کشور تاکید داشته‌اند.

- استکبار و استبداد ستیزی: شاید بتوان فلسفه وجودی گفتمان مقاومت را مقابله با گفتمان سلطه تعریف کرد. در واقع این گفتمان زمانی قوام یافت که در مقابل خود نظام و گفتمانی به نام سلطه را یافت که فارغ از هرگونه چارچوب اخلاقی علیه ملت‌ها ظلم می‌کند. گفتمان مقاومت پاسخی به این ظلم و جور بود. از طرف دیگر از آنجایی که این گفتمان بر روی اسلام‌خواهی، آزادی-خواهی، استقلال‌طلبی، صلح‌طلبی و ... تاکید می‌کند کاملاً مشخص است که با هرگونه استکبار و استبدادی مخالف است. در انقلاب یمن نیز شیعیان الحوثی علیه سال‌ها استبداد سیاسی قیام کردند و صنعا را به تصرف خود درآوردند. آن‌ها نه تنها با استبداد داخلی مبارزه کردند بلکه با هرگونه مداخله استکبار جهانی و اشغالگری نیز مخالف هستند. یکی از مسائل مهمی که این تحقیق براساس آن شکل گرفت مشاهده تشابهات زیاد میان حرکت انقلاب مردم یمن با انقلاب مردم ایران است که در شعارها و نمادها، پایگاه‌های انقلاب، رهبری، فرهنگ شهادت از جمله وجوه مشترک میان انقلاب دو ملت ایران و یمن است.

- اسلام‌خواهی: یکی از مهم‌ترین ویژگی‌های گفتمان مقاومت تاکید بر آموزه‌های اسلامی است. این گفتمان بیشترین تمرکز بر اسلام‌گرایی و اسلام‌خواهی است. در واقع محور مرکزی این گفتمان اسلام‌خواهی می‌باشد و به تبعیت از آموزه‌های اسلام شکل گرفته است. در قیام اخیر مردم یمن نیز عنصر اسلام‌خواهی در شعارها قابل مشاهده است. اسلام و احکام اسلامی همواره در اندیشه‌های رهبر الحوثی‌ها دغدغه و مسئله اصلی بوده است. در واقع الحوثی‌ها که اکنون به عنوان مهم‌ترین گروه انقلابی مطرح شده‌اند، توانستند در یک دهه اخیر فرهنگ عاشورا را در بین مناطق شیعه به خوبی معرفی کنند. در صورتی که تا پیش از این، این فرهنگ در یمن چندان مطرح نبود. به طور کلی عنصر اسلام‌خواهی به عنوان عنصر مرکزی گفتمان مقاومت در قیام اخیر مردم یمن مشهود است.

- مردم‌سالاری اسلامی «الگوی انقلاب اسلامی»، ارزش‌مداری، حق‌مداری، نقش مردم و حق تعیین سرنوشت.

ب) عوامل پس‌راننده و کاهنده پخش (ناهمگرا و ناپذیرا)

در کنار و یا مقابل عناصر پخش و اشاعه بازتاب انقلاب اسلامی در راستای تقویت بیداری اسلامی و مقاومت، عوامل پس‌راننده و کاهنده پخش (ناهمگرا و ناپذیرا) هستند که برخی در اینجا بررسی شده

است.

- نفوذ القاعده: القاعده در یمن نیز می‌تواند یکی از موانع عمده در پخش و بازتاب انقلاب اسلامی در یمن محسوب شود. در گزارش‌های امنیتی دولت آمریکا، القاعده در یمن، به عنوان، فعال‌ترین شاخه القاعده خارج از افغانستان و پاکستان توصیف شده است. بعد از جنگ ۱۹۹۴ در یمن، حدود بیست و پنج هزار نفر از اعضای القاعده وارد ارتش یمن شدند (ناجی علا، ۱۳۹۴). این گروه موسوم به القاعده در شبه جزیره العرب در سال ۲۰۰۹، به رهبری ناصر الوحیشی اعلام ظهور کرد. این گروه از سال ۲۰۱۱ با ضعف دولت مرکزی، یک پایگاه قوی در مناطق قبیله‌ای ایجاد کرد. الوحیشی در حملات هواپیماهای بدون سرنشین آمریکا در یمن کشته شد. این گروه تاکنون حملات متعددی را در سراسر جهان انجام داده است. در همین راستا، عربستان سعودی به دلیل فقدان مشروعیت داخلی به شدت از سیاست حفظ وضع موجود حمایت می‌کند که با بررسی شرایط داخلی این کشور اتخاذ این سیاست از جانب عربستان منطقی به نظر می‌رسد (کوهکن و تجری، ۱۳۹۳: ۱۱۶). نیز عربستان سعودی در زمان تأسیس و قدرت‌یابی وهابیان، ریشه‌های تضاد ایدئولوژیک در کنار رقابت ژئوپلیتیک با ایران را پی‌ریزی کرده است (ساعی و علیخانی، ۱۳۹۲: ۱۰۴).

- بازماندگان نظام پیشین: حضور بازماندگان و فلول نظام علی عبدالله صالح در محیط پخش و بازتاب انقلاب اسلامی از عوامل و موانع و پسران این تاثیر گذاری از مبد در مقصد شده است. برای نمونه نفوذ برخی عناصر رژیم سابق در جنبش اعتراضی فعلی در یمن می‌تواند در آینده مشکلاتی را به وجود آورد. گزینه‌ای که وجود دارد این است که پسر علی عبدالله صالح، رئیس آینده شیعیان خواهد شد. این انتخاب خطری برای جنبش انصار الله است.

- کانون‌های قدرت: وجود کانون قدرت در محیط انتشار و اشاعه بازتاب انقلاب مانعی در شکل - گیری کانون قدرت جدید می‌شود. در یمن کانون‌های قدرتی وجود دارد که به بودجه دولت نیازی ندارد و مستقل از دولت عمل می‌کنند؛ آن‌ها به طور مستقیم و بدون نیاز به دولت از جامعه ارتزاق می‌کنند و نیازی به دولت ندارند. استراتژی بقاء آن‌ها بر مبنای غیردولتی استوار است. این بلوک‌ها یا دارای منابع اقتصادی - مالی غیردولتی هستند یا دارای اقتدار خاص که بر اساس تحلیل‌های وبر، منابع قدرت را از جامعه می‌گیرند. این وضعیت به شدت منجر به اخلال در کارویژه‌های دولت و در نهایت تضعیف دولت می‌شود (عسکرخانی، ۱۳۸۳: ۴۰). یکی از مهم‌ترین کانون‌های قدرت در یمن، قبایل این کشور هستند. بافت قبیله‌ای در یمن حتی بعد از به وجود آمدن یک دولت یکپارچه از بین نرفته است اکثر امور در یمن با روش قبیله‌ای حل و فصل می‌شود. در صورت در نظر گرفتن این

کانون قدرت، نظام‌سازی در یمن می‌تواند با مشکل جدی مواجه شود.

- توقعات فزاینده مردم انقلابی از دولت‌های نوپا: با شکل‌گیری جنبش اعتراضی، فضای شعاری تقویت و فضای آرمانی در محیط و مقصد پخش پررنگ می‌شود و تبلیغات و وعده‌ها افزایش می‌یابد. وقتی نهضت نتواند به مطالبات پاسخ دهد به عنوان پسران عمل می‌کند. به گفته عبدالله ناجی علا، یکی از طرفداران جنبش انصارالله یمن، باید یک نظام سیاسی پیشرفته در یمن بر سر کار آید که به شکل عادلانه به توزیع قدرت و ثروت بپردازد.

- مخالفان منطقه‌ای: مخالفان منطقه‌ایی از موانع پخش و انتشار است. عربستان، بحرین، مصر، اردن، کویت، قطر و امارات متحده عربی از جمله کشورهایی هستند که قدرت یافتن انصارالله را با قدرت یافتن شیعیان و ایران در خاورمیانه برابر می‌دانند. این کشورها، از سیستم حکومت سلطنتی برخوردار هستند و استقرار دموکراسی در یمن، می‌تواند سیستم‌های سلطنتی در جنوب خلیج فارس را به شدت در معرض مخاطره قرار دهد. این کشورها در قابل طرح سپر جزیره به ارسال ادوات نظامی برای نیروهای مقابل انصارالله و بمباران هوایی مواضع انصارالله مبادرت کرده‌اند. به جز کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس، کشورهای دیگر همچون مصر، مراکش، سنگال، سودان، پاکستان و سومالی در ائتلاف تحت رهبری عربستان علیه انصارالله شرکت کرده‌اند.

از آنجا که تفکر ملی‌گرایی عرب بر این اساس است که ایران تمایل دارد تا حلقه‌ی امنیتی اعراب در منطقه را از بین ببرد، و تفکر ایرانیان بر این متمرکز است که اعراب منطقه می‌کوشند تا منافع ایران را در خلیج فارس انکار نمایند، نظرات متفاوتی از جانب کشورهای منطقه درباره سیاست امنیتی خلیج فارس بروز نموده است به صورتی که پرداختن هر کشور نسبت به مسئله‌ی امنیت خود به منزله تهدید علیه کشور دیگر و مغایر با استقرار امنیت در منطقه خلیج فارس تلقی می‌گردد (افشردی، ۱۳۹۱: ۱۲۸). شورای همکاری مهم‌ترین اتحادیه‌ی منطقه‌ای در محیط پیرامونی ایران در حوزه‌ی جنوبی کشور است که نوع نقش‌آفرینی آن، منافع و امنیت ملی کشور را تا حد قابل توجهی متأثر می‌سازد (اسدی، ۱۳۹۱: ۵). و از پخش و بازتاب انقلاب اسلامی در منطقه جلوگیری می‌کند.

- مخالفان بین‌المللی: غرب به رهبری آمریکا از مخالفان بین‌المللی جنبش انصارالله در یمن است. حفظ منافع آمریکا در یمن با روی کارآمدن انصارالله تضاد دارد. دولت اوپاما با حمله مستقیم عربستان به یمن مخالف بود و به مقامات عربستان توصیه کرد از حمله آشکار به یمن خودداری کند و با اهرم‌های داخلی سعودی‌ها در یمن به مبارزه با انصارالله برود. در واقع غرب و ایالات متحده علاوه بر محدود کردن قدرت یابی انصارالله و نهضت بیداری اسلامی در اساس از پخش و بازتاب

انقلاب اسلامی مقابله می‌کنند، در اساس جلوگیری از گسترش روز افزون قدرت نفوذ و تأثیرگذاری جمهوری اسلامی ایران در منطقه بوده‌اند و در این راه از حمایت کشورهای غربی از جمله ایالات متحده آمریکا که خواستار به انزوا کشیدن ایران اسلامی است، برخوردار بوده‌اند (Nuruzzaman, 2012: 548). در جریان ائتلاف عربی نیز وضعیت چنین است، جلوگیری یا کاهش دامنه نفوذ و توان تأثیرگذاری ایران در عرصه سیاسی یمن، منزوی ساختن عنصر شیعی که نماد آن حوثی‌ها و انصارالله در یمن می‌باشند، ایجاد توازن قوا در مقابل ایران، هراس تاریخی از شیعه و جریانات دموکراسی خواه و ... از اهداف ایجاد ائتلاف می‌باشد.

نتیجه‌گیری

پژوهش در پی بررسی این مسئله بود که انقلاب اسلامی ایران مبتنی بر تئوری پخش به چه صورتی در یمن بازتاب یافته است. سامان مقاله حاضر بر اساس هدف و بر مبنای نظریه پخش و مبتنی بر «مبدأ، مقصد، محیط، موضوع، مجاری پخش و انتشار» تنظیم شده است.

بازتاب انقلاب اسلامی ایران از طریق انتشار و پخش تأثیرات عمیقی بر معادلات منطقه‌ای و تأثیر عمیقی بر مسلمانان جهان اسلام بویژه مردم منطقه داشته؛ که امروزه در قالب بیداری اسلامی بروز و ظهور کرده است. از مهم‌ترین گزاره‌های پخش و بازتاب انقلاب اسلامی هویت طلبی، تعالی-خواهی، ظلم‌ستیزی، نفی سبیل، عدالت‌طلبی، دین‌خواهی، قانون‌گرایی، استکبار ستیزی، مبارزه با استعمار و در گزاره‌های عینی از تحولات که نشان از تغییر نظم منطقه‌ای مطلوب نظر مردم با حق تعیین سرنوشت هست را بیان می‌کند.

حداقل بازتاب در گزاره‌های عینی عبارتند از: سقوط برخی از رژیم‌های مستبد و وابسته به غرب و آمریکا، همچنین تداوم مطالبات مردمی؛ افزایش حمایت مردمی و منطقه‌ای از فلسطین و تحدید جایگاه رژیم صهیونیستی؛ سقوط سران مرتجع همسو با غرب و مخالف انقلاب اسلامی؛ ادامه اعتراضات و به هم ریختن نظم موجود منطقه و تبعات منفی حاصل از آن برای غرب، آمریکا و رژیم صهیونیستی؛ حضور توده‌های مردم، نخبگان، زنان، جوانان و همه قشرهای مردم درخیزش‌های منطقه.

جمهوری اسلامی می‌تواند با ارائه تجربیات آنچه در نظریه پخش بحث و بررسی شد سبب موفقیت و پیروزی در سطح داخلی و حمایت از دولت‌های شکل گرفته در سطح منطقه‌ای (فرایند توازن سازی و تثبیت سیاسی) شود و به بقای دولت‌های نوین در یمن کمک کند.

چند سناریو برای آینده یمن متصور است:
شکست جنبش‌ها و بازگشت به وضعیت پیشین
پیروزی جنبش‌ها و تشکیل دولت مردمی - اسلامی
عدم مداخله رهبران جنبش در فرایند سیاسی و تبدیل آن‌ها به نهاد امنیتی (مدل حزب الله)
سهمی شدن رهبران جنبش در یک دولت ائتلافی
تداوم بحران به دلیل جنگ نیایی قدرت‌های مداخله‌گر

در بحث پخش و انتشار، مسئله بازتاب انقلاب اسلامی به عنوان کشور هم‌گرا و برابر در فرایند هم‌گرایی، از اهمیت خاصی برخوردار است به گونه‌ای که اگر کشورهای هم‌گرا از همکاری و تعاون با یکدیگر در عرصه‌های مختلف شاهد تجارب مثبت و تامین منافع متقابل باشند، این امر باعث اشاعه و گسترش هم‌گرایی از یک حوزه به حوزه دیگر می‌گردد، و از عوامل پیش‌ران و پیش‌برنده عمل می‌کنند. البته انتشار و گسترش در حوزه انقلاب اسلامی ایران نیز می‌تواند بدین معنا باشد که کشورهای اسلامی با مشاهده تجربه مثبت ملت ایران در از بین بردن نظام پادشاهی، رها شدن از سلطه و کسب آزادی، در پی تسری دادن آن به کشور خود باشند. در این صورت الگوی انقلاب اسلامی ایران با توجه به جاذبه‌های فرهنگی و سیاسی به سرعت در میان ملت‌های محروم و مستضعف گسترش یافته و باعث بوجود آمدن فضای فرهنگی و سیاسی جدید گردیده و می‌تواند به عنوان یک فرصت در هم‌گرایی کشورهای اسلامی مؤثر واقع شده و در گرایش و تقویت محور مقاومت مؤثر شود.

منابع

۱. اسدی، علی اکبر (۱۳۹۱)؛ «شورای هم‌کاری خلیج فارس و تحولات جهان عرب: دگردیسی در اهداف و منافع»، گزارش راهبردی، مرکز تحقیقات استراتژی‌ک، شماره ۴۲۵، مرداد.
۲. افشردی، محمدحسین (۱۳۹۱)؛ «شناسایی ظرفیت‌های حقوقی محدود کننده تحرکات نظامی نیروهای فرامنطقه‌ای در هوا و آب‌های خلیج فارس»، راهبرد دفاعی، سال دهم، شماره ۳۹، پای‌ی‌ز ۱۳۹۱
۳. برزگر، ابراهیم (۱۳۸۲)، «نظریه پخش و بازتاب انقلاب اسلامی»، سیاست، شماره ۸
۴. پانوف، می‌شل (۱۳۶۸)، فرهنگ و مردم‌شناسی، اصغر عسکری (مترجم)، تهران، وی‌س.

۵. تائب، سعید و حسینی خلیلی (۱۳۸۶): «اولویت‌های امنیت‌سازی در خلیج فارس با رویکرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، دفاعی استراتژی‌کک، سال ۸، شماره ۳۰، تابستان و پای‌ی‌ز.
۶. تائب، سعید و حسینی خلیلی (۱۳۸۶): «اولویت‌های امنیت‌سازی در خلیج فارس با رویکرد امنیت ملی در جمهوری اسلامی ایران»، دفاعی استراتژی‌کک، سال ۸، شماره ۳۰، تابستان و پای‌ی‌ز ۱۳۸۶.
۷. تلاشان، حسن (۱۳۹۱)، «انقلاب اسلامی ایران و تاثیر آن بر تحولات ژئوپلیتیک شیعه در یمن»، شیعه شناسی، سال دهم، شماره ۴۰.
۸. جردن، تری. جی و لستر راونتري، (۱۳۸۰)، مقدمه‌ای بر جغرافیای فرهنگی، ترجمه سی‌م‌ین تولای، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و ارتباطات.
۹. جوکار، مهدی (۱۳۹۴): «نگاهی بر عوامل و موانع طرح ارتش مشترک عربی»، خبرگزاری فارس، شماره: ۱۳۹۴۰۱۲۴۰۰۱۱۹۷.
۱۰. حشمت زاده، محمد باقر (۱۳۸۴) «مقدمه و چارچوبی برای بررسی تاثیرات انقلاب اسلامی در کشورهای اسلامی»، ۱۳ نامه پژوهش ش ۱۲.
۱۱. خرمشاد، محمد باقر (۱۳۹۰)، بازتاب انقلاب اسلامی، تهران: سمت.
۱۲. دهقانی فیروزآبادی سی‌د جلال و مهدی فرازی (۱۳۹۱)، «بیداری اسلامی و امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، مطالعات انقلاب اسلامی، سال نهم، ش ۲۸.
۱۳. دکم‌جیان، هرایر (۱۳۷۷)، جنبش‌های اسلامی معاصر در جهان عرب بررسی پدید بنیادگرایی اسلامی، ترجمه حمید احمدی، تهران: کیهان.
۱۴. ذوالفقاری، امیرعلی (۱۳۹۳): «تحولات یمن: ریشه‌ها و روندها»، معاونت پژوهش‌های سیاسی - حقوقی، مطالعات سیاسی، ش ۲۶۰، شماره مسلسل ۱۳۹۲۸.
۱۵. رسولی، معین (۱۳۹۴)، انقلاب یمن، تهران، انتشارات موسسه مطالعات اندیشه سازان نور.
۱۶. ساعی، احمد و مهدی علی‌خانی (۱۳۹۲): «بررسی چرخه تعارض در روابط جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی با تأکید بر دوره ۱۳۹۲-۱۳۸۴»، علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۲.
۱۷. سالاری، مری‌م (۱۳۹۲) «مکان سنجی هم‌سویی ایران و عربستان در کانون‌های بحران منطقه‌ای»،

۱۸. شکوی، حسینی، (۱۳۷۵)، *اندیشه‌های نو در فلسفه جغرافیا*، تهران: گیتاشناسی.
۱۹. عسکرخانی، ابو محمد (۱۳۸۴)، *رژیم‌های بین‌المللی*، تهران، نشر ابرار.
۲۰. عمادی، سیدرضی (۱۳۹۴)؛ «بررسی روند تجاوز سعودی‌ها به یمن»، معاونت بررسی و تحلی‌ل سازمان بسیج دانشجویی، وبگاه اندی‌شکده راهبردی تپی‌ن.
۲۱. فاضلی‌نیا، نفیسه (۱۳۸۴)، «علل نگرانی غرب از انقلاب اسلامی با تاکید بر ژئوپلتیک شیعه»، علوم سیاسی، سال ۹، شماره ۳۶.
۲۲. فی‌روز کلانی، عبدالکری‌م (۱۳۹۴)؛ «تحلیلی بر مهم‌ترین علل تهاجم ائتلاف تحت رهبری عربستان سعودی به یمن»، پژوهش‌های منطقه‌ای، شماره ۷، بهار ۱۳۹۴.
۲۳. قاسمی بهزاد (۱۳۹۲)، «نسبت دموکراسی و مردم‌سالاری اسلامی در خیزش‌های اسلامی»، مطالعات راهبردی، سال چهاردهم: شماره ۵۵ پای‌ی‌ز.
۲۴. کاردان، عباس (۱۳۹۱)، «قیام انقلابی یمن، زمینه‌ها و موانع داخلی و خارجی»، عملیات روانی، سال هشتم، شماره ۲۹، تابستان.
۲۵. کوهکن، علی‌رضا و سعید تجری (۱۳۹۳) «بحران سوریه و سیاست منطقه‌ای عربستان سعودی (۲۰۱۱ تا ۲۰۱۴)»، پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال سوم، شماره ۱۰، پای‌ی‌ز.
۲۶. مسعودنی‌ا، حسینی و حسینی توسلی (۱۳۹۱) «بازخوانی جنبش شیعی الحوثی در یمن»، مطالعات سیاسی جهان اسلام، سال اول، شماره ۳، پای‌ی‌ز ۱۳۹۱.
۲۷. ملک محمدی، حمی‌د رضا و مهدی داودی (۱۳۹۱) «تأثیر ایران هراسی بر سیاست‌های نظامی امنیتی کشورهای شورای همکاری خلیج فارس»، سیاست، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱.
۲۸. فرانس ۲۴، الحوثیون یحلون البرلمان الیمنی ویعلنون تشکیل مجلس رئاسی جدید، ۶ فوریه ۲۰۱۵، مراجعه در تاریخ ۲۷ آبان ۱۳۹۴.
۲۹. دغشی، محمد احمد (۱۳۹۴)، «بازشناسی حوثی‌های یمن»، forum.qawem.org
۳۰. ب) منابع لاتین:

31. Ahelbarra Hashem, (22 January 2015), *Yemen Crisis explained*, Aljazeera.

32. Anthony H. Cordesman. 1999. *Iran's Military Forces in*

Transition, London: Library Cataloging in Publication.

33. Barak A. Salmoni, Bryce Loidolt, ***Madeleine Wells. Regime and Periphery in Northern Yemen: The Huthi Phenomenon***. See; www. Rand Corporation, 2010
34. Genny Hill.(2008). ***Yemen: Fear of Failure, Chatam House: Middle East Program***,November 2008, Page 5.
35. Nuruzzaman, Mohammed.(2012), ***Conflicts between Iran and Persian Gulf Arab state: An Economic Evaluation***,Strategic Analysis,Vol.36,No.4,542-553.
36. Wehrey Frederic, (22 March 2015), ***Into the Maelstrom: The Saudi-Led Misadventure in Yemen***, Carnegie Endowment for International Peace.

